

صلاحیت دیوان عدالت اداری در موضوعات مالیاتی

دکتر مسلم محمدزاده/دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران (@moslemm_mz)

مقدمه: اصل ۱۷۳ قانون اساسی و تأسیس دیوان عدالت اداری.

- ✓ برابر رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۹۲ امکان شکایت دستگاههای اجرایی از آرا مراجع اداری اختصاصی فراهم شد:
- رای وحدت رویه شماره ۷۹۲ مورخ ۲۴/۴/۱۳۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور موضوع: در خصوص قابل تجدیدنظر بودن آراء کمیسیون رسیدگی به امور آب های زیرزمینی به طور مطلق در دیوان عدالت اداری.
- با توجه به اینکه برابر تبصره ۵ ماده واحده قانون تعیین تکلیف چاه های آب فاقد پروانه بهره برداری مصوب ۱۳/۴/۱۳۹۸، آراء کمیسیون رسیدگی به امور آب های زیرزمینی به طور مطلق قابل تجدیدنظر در دیوان عدالت اداری دانسته شده است و با عنایت به اطلاق بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۲۵/۳/۱۳۹۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، دولتی بودن شرکت سهامی آب منطقه ای، نافی لزوم رسیدگی به تجدیدنظرخواهی به عمل آمده از سوی این شرکت نسبت به آراء کمیسیون مذکور در دیوان عدالت اداری نیست؛ بنابراین رای شماره ۱۰۷۶ مورخ ۱۹/۱۰/۱۳۹۵ شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان یزد که از لحاظ قابل اعتراض دانستن آراء کمیسیون یاد شده از سوی شرکت آب منطقه ای (در حد مذکور) با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رای طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.
- رأی وحدت رویه شماره ۱۸/۹/۱۳۹۹.۸۰۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطابق تبصره ۱۰ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، آراء صادره از کمیسیون موضوع این ماده قابل اعتراض در کمیسیون هم عرض است و برابر بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. بنا به مراتب و با عنایت به ذیل ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، اعتراض اشخاص حقوقی دولتی و عمومی نسبت به آراء کمیسیون یاد شده در هر حال قابل طرح و رسیدگی در دادگاههای عمومی نیست و رأی شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران که در نتیجه با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.

این آرا سبب تغییر موضع قانونگذار و تغییر قانون دیوان عدالت اداری گردید:

تبصره ۲ ماده ۳ (الحاقی ۱۰/۲/۱۴۰۲):

شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از عمومی و خصوصی از آراء و تصمیمات مراجع اختصاصی اداری موضوع بند (۲) ماده (۱۰) این قانون مستقیماً در شعب تجدیدنظر مطرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، رأی صادره قطعی است. سایر شکایات و اعتراضات در شعب بدوی رسیدگی می‌شود. پس از لازم الاجرا شدن این قانون پرونده‌های موجود در شعب بدوی و تجدیدنظر مطابق صلاحیت زمان ثبت دادخواست رسیدگی می‌شود.

ساختار دیوان عدالت اداری به قرار زیر است (ماده ۲ اصلاحی ۱۴۰۲):

هیأت عمومی و تخصصی / شعب بدوی / شعب تجدیدنظر

بخش نخست: هیأت عمومی و تخصصی:

✓ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲:

ماده ۸ (اصلاحی ۱۰/۲/۱۴۰۲). هیأت عمومی دیوان عدالت اداری متشکل از رئیس، معاونین قضائی، رؤسای هیأت‌های تخصصی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر و رؤسای شعب بدوی می‌باشد که با حضور دوسوم اعضاء و به ریاست رئیس دیوان یا یکی از معاونین قضائی با انتخاب رئیس دیوان رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی در آن، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد. در رسیدگی به موارد موضوع مواد (۸۹) و (۹۰) این قانون، قضات صادرکننده دادنامه‌ها با داشتن حق رأی می‌توانند در جلسات هیأت عمومی شرکت نمایند.

تبصره (اصلاحی ۱۰/۲/۱۴۰۲). سایر قضات دیوان و یا کارشناسان امر حسب مورد با دعوت رئیس دیوان یا رئیس هیأت تخصصی، بدون داشتن حق رأی می‌توانند در جلسات هیأت عمومی یا هیأت تخصصی شرکت کنند و در صورت لزوم نظرات خود را ارائه نمایند.

✓ ماده ۱۲- حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان به شرح زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

۲- صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد.

۳- صدور رأی ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۰/۲/۱۴۰۲)- رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۰/۲/۱۴۰۲). رسیدگی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی در حوزه تحت صلاحیت این نهادها از شمول حکم این ماده خارج است، لیکن رسیدگی به مصوبات و تصمیمات زیرمجموعه‌های شوراهای مذکور از قبیل هیأت (کمیسیون)ها، کارگروه (کمیته)ها، شوراهای و ستادها در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد.

ماده ۱۳- اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیأت عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیأت مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید.

- در سال قانون سال ۱۳۹۰ هیأت تخصصی هم به عنوان مقدمه رسیدگی در هیأت عمومی پیش بینی شد:

✓ ماده ۲. دیوان در تهران مستقر است و متشکل از شعب بدوی، تجدیدنظر، هیأت عمومی و هیأت های تخصصی می باشد. تشکیلات قضایی، اداری و تعداد شعب دیوان با تصویب رئیس قوه قضاییه تعیین می شود.

✓ ماده ۸۴. اموری که مطابق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است، ابتداء به هیأت های تخصصی مرکب از حداقل پانزده نفر از قضات دیوان ارجاع می شود. رسمیت جلسات هیأت های تخصصی منوط به حضور دوسوم اعضاء است که به ترتیب زیر عمل می کنند:

الف. در صورتی که نظر اکثریت مطلق هیأت تخصصی بر قبول شکایت و ابطال مصوبه باشد، پرونده به همراه نظریه هیأت جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می شود.

ب. در صورتی که نظر سه چهارم اعضای هیأت تخصصی بر رد شکایت باشد، رأی به رد شکایت صادر می کند. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است. در صورت اعتراض و یا در صورتی که نظر اکثریت کمتر از سه چهارم اعضاء بر رد شکایت باشد، پرونده به شرح بند (الف) در هیأت عمومی مطرح و اتخاذ تصمیم می شود.

تبصره ۱. تصمیمات هیأت های تخصصی بلافاصله به اطلاع قضات دیوان می رسد.

تبصره ۲. هرگاه مصوبه مورد شکایت به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی و هیأت های تخصصی لازم الاتباع است.

تبصره (اصلاحی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰). چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش بینی می‌شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می‌باشد؛ موضوع همزمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیأت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف یک ماه اعلام نظر نمایند و شعب رسیدگی کننده با ملاحظه نظریه مشورتی مذکور نسبت به صدور رأی اقدام کنند. عدم اعلام نظریه مشورتی در مهلت مقرر مانع از صدور رأی پس از خاتمه مهلت نیست.

✓ ماده ۳۶ (اصلاحی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰). در مواردی که ضمن دادخواست ابطال مصوبات موضوع ماده (۱۲) این قانون، تقاضای صدور دستور موقت شده باشد، رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص تقاضای مزبور با رئیس و در غیاب وی نایب رئیس هیأت تخصصی مربوط است. با صدور دستور موقت، پرونده در هیأت تخصصی و هیأت عمومی خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

✓ ماده ۸۴- اموری که مطابق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است، ابتداءً به هیأت‌های تخصصی مرکب از حداقل پانزده نفر از قضات دیوان ارجاع می‌شود. رسمیت جلسات هیأت‌های تخصصی منوط به حضور دوسوم اعضاء است که به ترتیب زیر عمل می‌کنند:

الف- در صورتی که نظر اکثریت مطلق هیأت تخصصی بر قبول شکایت و ابطال مصوبه باشد، پرونده به همراه نظریه هیأت جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می‌شود.

ب- در صورتی که نظر سه چهارم اعضاء هیأت تخصصی بر رد شکایت باشد، رأی به رد شکایت صادر می‌کند. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است. در صورت اعتراض و یا در صورتی که نظر اکثریت کمتر از سه چهارم اعضاء بر رد شکایت باشد، پرونده به شرح بند (الف) در هیأت عمومی مطرح و اتخاذ تصمیم می‌شود.

تبصره ۱- تصمیمات هیأت‌های تخصصی بلافاصله به اطلاع قضات دیوان می‌رسد.

تبصره ۲ (اصلاحی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰). هرگاه مصوبه مورد شکایت به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد مطابق ماده (۸۷) این قانون عمل می‌شود.

بخش دوم: شعب دیوان عدالت اداری (شعب بدوی / شعب تجدیدنظر):

۲-۱- مراجع اداری اختصاصی

تبصره ۳ از ماده ۳ (الحاقی ۱۰/۲/۱۴۰۲). مقصود از مراجع اختصاصی اداری کلیه مراجع و هیأت‌هایی است که به موجب قوانین و مقررات قانونی، خارج از مراجع قضائی تشکیل می‌شوند و اقدام به رسیدگی به اختلافات، تخلفات و شکایاتی می‌کنند که در صلاحیت آنها قرار داده شده است؛ نظیر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیسیون‌های مواد (۹۹) و (۱۰۰) قانون شهرداری مصوب ۱۱/۴/۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما و کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات قانونی تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده آنها واگذار شده باشد.

۲-۲- مراجع اداری اختصاصی در حوزه مالیات:

- هیأت حل اختلاف مالیاتی (بدوی موضوع ماده ۲۴۴ ق.م.م.)
- هیأت تجدیدنظر حل اختلاف مالیاتی (موضوع ماده ۲۴۷ ق.م.م.)
- هیأت حل اختلاف مالیاتی در اجرای ماده ۲۴۳ ق.م.م.
- هیأت موضوع ماده ۲۱۶ ق.م.م.
- آرا صادره از شعب شورای عالی مالیاتی (موضوع ماده ۲۵۱ و ۲۵۴ ق.م.م.)
- آرا صادره از هیأت موضوع ماده ۲۵۷ ق.م.م. (جهت رسیدگی به آن مرجع)
- آرا صادره از هیأت موضوع ماده ۲۵۱ مکرر ق.م.م. زیر نظر وزیر اقتصاد

۲-۳- تک مرحله ای شدن رسیدگی در خصوص شکایت از آرا مراجع اداری اختصاصی

تغییر مهم اصلاحات سال ۱۴۰۲ نسبت به قانون قبلی، تک مرحله ای شدن رسیدگی در خصوص شکایات نسبت به اعتراض به آرا صادره از مراجع اداری اختصاصی (موضوع بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری) است. بنابراین، اعتراض نسبت به آرا قطعی صادره از هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، هیأت موضوع ماده ۲۵۱ مکرر ق.م.م.، آرا صادره از شعب شورای عالی مالیاتی همگی مستقیماً به شعبه تجدیدنظر دیوان رفته و به صورت تک مرحله ای رأی قطعی صادر می‌شود.

تبصره ۲ ماده ۳ (الحاقی ۱۰/۲/۱۴۰۲). شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از عمومی و خصوصی از آراء و تصمیمات مراجع اختصاصی اداری موضوع بند (۲) ماده (۱۰) این قانون مستقیماً در شعب تجدیدنظر مطرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، رأی صادره قطعی است. سایر شکایات و اعتراضات در شعب بدوی رسیدگی می‌شود. پس از لازم الاجرا شدن این قانون پرونده‌های موجود در شعب بدوی و تجدیدنظر مطابق صلاحیت زمان ثبت دادخواست رسیدگی می‌شود.

۴-۲- طرف شکایت در دادخواست های اعتراض به آرا مالیاتی:

✓ طرف شکایت در آرا زیر، سازمان امور مالیاتی به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۰۱۹۶۰ است:

نکته: شناسه ملی سازمان ها در پایین صفحه نخست سایت دیوان عدالت به نشانی <https://divanedalat.eadl.ir> موجود است.

- هیأت حل اختلاف مالیاتی (بدوی موضوع ماده ۲۴۴ ق.م.م.ق) که در اثر عدم تجدیدنظر خواهی قطعیت یافته است.
 - هیأت تجدیدنظر حل اختلاف مالیاتی (موضوع ماده ۲۴۷ ق.م.م.ق)
 - هیأت حل اختلاف مالیاتی در اجرای ماده ۲۴۳ ق.م.م.ق.
 - هیأت موضوع ماده ۲۱۶ ق.م.م.ق.
 - آرا صادره از شعب شورای عالی مالیاتی
- ✓ طرف شکایت در اعتراض به آرا صادره از هیأت موضوع ماده ۲۵۱ مکرر ق م م، وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

۵-۲- موضوع شکایت:

- مشخصات کامل رأی ابلاغ شده (شماره و تاریخ):
- خواسته: نقض رأی شماره... مورخ / در صورت درخواست دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی.
- پرسش مهم: برگ قطعی نیز قابل اعتراض است؟ خیر.

رأی هیأت عمومی شماره ۹۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۲

اولاً: پرونده های کلاسه ۲۲/۸۶، ۲۵۹/۸۶ و ۱۵۲۹۶ و ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۱۵۲۹۶ شعبه چهاردهم از این حیث که در آنها به برگ مالیات قطعی اعتراض نشده است، از تعارض خارج است و در سایر پرونده ها چون شعبه سیزدهم در پرونده های شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۳۲۵۵۵، شماره ۲۰۸۳/۸۲، شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۳۶۵۵۶ و شماره ۱۰۲۵/۸۸ در رسیدگی به دادخواست شکات به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی به موضوع رسیدگی کرده است و شعبه سیزدهم در پرونده های شماره ۹۱۰۹۹۸۹۰۰۰۰۱۹۳۸ و شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۵۷۰۰۱ و شعبه چهاردهم در پرونده های شماره ۱۴/۸۵ و شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۲۰۲۹۴ در رسیدگی به دادخواست شکات به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی با این استدلال که پیش از رسیدگی به اعتراض به برگ قطعی در هیأت های حل اختلاف مالیاتی، موضوع قابل طرح و رسیدگی در دیوان عدالت اداری نیست، قرار رد شکایت صادر کرده اند، بین آرا تعارض محرز است.

ثانیاً: نظر به این که طبق تبصره ۱ ماده ۲۱۶ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن، مرجع رسیدگی به شکایات از قطعیت مالیات (برگ مالیات قطعی) هیأت حل اختلاف مالیاتی است و با عنایت به این که به استناد بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، آرای قطعی هیأت های حل اختلاف مالیاتی قابل شکایت و اعتراض در دیوان عدالت اداری خواهد بود و همچنین به استناد قسمت آخر ماده ۲۵۷ قانون مالیات های مستقیم، آرای صادر شده از هیأت

های حل اختلاف مالیاتی زمانی که توسط دیوان عدالت اداری نقض شود، قابل رسیدگی مجدد در هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده یاد شده است، لذا رسیدگی به اعتراض مؤدی به برگ مالیات قطعی، قبل از رسیدگی و صدور رأی قطعی از سوی هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۶ قانون اخیرالذکر، بدو قابلیت طرح و استماع در دیوان عدالت اداری را ندارد. در نتیجه آرای که به صورت قرار رد بر اساس استدلال فوق صادر شده است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است. رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری. محمدجعفر منتظری

۲-۶- تشریفات دستور موقت در دیوان:

- ✓ برخلاف قانون آدم که امکان درخواست دستور موقت پیش از تقدیم دادخواست وجود داشت، در دیوان عدالت اداری این درخواست می بایست «همزمان یا پس از تقدیم دادخواست اصلی» صورت بگیرد (ماده ۳۴).
- ✓ صدور دستور موقت منوط به سپردن تأمین مناسب نیست (بر خلاف ماده ۳۱۹ ق.م.م.ا).
- ✓ صدور دستور موقت بر عهده قضات شعب ولی اجرای دستور موقت با موافقت ریاست دیوان است. تبصره ۲ (الحاقی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰) ماده ۳۵ قانون دیوان: اجرای دستور موقت صادره از شعب دیوان منوط به تأیید رئیس دیوان است که حداکثر ظرف یک هفته از زمان وصول باید نظر خود را اعلام نماید. در صورت عدم اظهار نظر در مهلت مذکور دستور موقت صادره لازم الاجرا است.

- ✓ امکان عدول از دستور موقت وجود دارد: ماده ۴۰ (اصلاحی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰). در صورت حصول دلایلی مبنی بر عدم ضرورت ادامه اجرای دستور موقت، مرجع رسیدگی کننده به اصل دعوا با موافقت رئیس دیوان نسبت به لغو آن اقدام می نماید.

۲-۷- نحوه رسیدگی شعب:

- ✓ ماده ۶۳- شعبه رسیدگی کننده دیوان در مقام رسیدگی به آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده (۱۰) این قانون به شرح زیر اقدام می کند:
 - ۱- در مواردی که رأی واجد ایراد و اشکال قانونی نباشد آن را تأیید و همچنین در مواردی که رأی دارای اشتباه یا نقصی باشد که به اساس رأی لطمه وارد نکند ضمن اصلاح رأی، آن را ابرام می کند.
 - ۲- در مواردی که موجبی برای رسیدگی در مراجع مذکور وجود نداشته باشد یا موضوع مورد رسیدگی منتفی شده یا از مصادیق تخلف نباشد، مبادرت به نقض بلاارجاع می کند.

۳- در مواردی که شعبه دیوان تشخیص دهد که مرجع رسیدگی کننده صلاحیت رسیدگی را نداشته است رأی را نقض و ضمن تعیین مرجع صلاحیتدار، مرجع رسیدگی کننده را موظف می‌کند موضوع را ظرف یک هفته به مرجع دارای صلاحیت ارسال کند.

۴- در مواردی که شعبه دیوان نقص تحقیقات و یا ایراد شکلی یا ماهوی مؤثری در رأی صادره مشاهده کند با ذکر تمام جهات و دلایل قانونی، رأی صادره را نقض و موضوع را جهت رسیدگی مجدد به آن مرجع اعلام می‌کند. مرجع مذکور مکلف است با رعایت مفاد رأی شعبه دیوان حداکثر ظرف دو ماه نسبت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی اقدام کند. در صورت شکایت مجدد شاکی، پرونده به شعبه صادرکننده رأی قطعی در دیوان ارجاع می‌شود. در این صورت، اگر شعبه دیوان رأی صادره را صحیح تشخیص دهد آن را تأیید می‌کند و در صورتی که رأی صادره را بر خلاف قوانین و مقررات بداند آن را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند. چنانچه شعبه دیوان نظر کارشناس را لازم بداند، از نظر کارشناسان رسمی دادگستری یا متخصصان و مشاوران موضوع ماده (۷) این قانون استفاده می‌کند.

چنانچه اجرای این آراء مربوط به بخش غیردولتی بوده یا مستلزم انجام عملیات اجرائی در بخش غیردولتی باشد، از حیث تشریفات اجرای رأی، شرایط صدور اجرائیه، عملیات اجرائی و مرجع اجرای حکم تابع مقررات حاکم بر اجرای آرای هیأتها و کمیسیون‌های مذکور می‌باشد و در سایر موارد تابع مقررات مربوط به نحوه اجرای احکام این قانون است.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰). پس از لازم الاجرا شدن این ماده، رسیدگی به کلیه پرونده‌های موضوع این ماده در شعب تجدید نظر دیوان به عمل می‌آید.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰). عدم رعایت مهلت مقرر در بند (۴) این ماده و یا عدم رعایت مفاد رأی دیوان در تصمیم بعدی از سوی مرجع طرف شکایت موضوع این ماده، چنانچه مستند به عذر موجه یا دلایل قانونی نباشد موجب اعمال مجازات مستنکف مطابق ماده (۱۱۲) این قانون نسبت به اعضای مؤثر در مخالفت با حکم دیوان می‌شود. تخلف مستنکف با ارجاع رئیس دیوان در شعبه صادرکننده رأی قطعی دیوان رسیدگی می‌شود.